

یا توقف در طواف یا دست کشیدن از اجحاف

دکتر سید علی اصغر غروی



طلابه:

حال اگر تصور کنیم، مسلمانانی را که خواهان مبارکی برای خود و جهانیان هستند، و عامل به دستورات پروردگارشان و تسلیم او، و روی خود به سوی آورده‌اند، و هم اکنون، یعنی همین الآن، در حال طواف بر گرد خانهٔ خداوند، تا شاهد منافع خود باشند و امنیت و صلح را از همان نقطه به سرتاسر گیتی بگسترانند، در اعتراض به وضع موجود، در اعتراض به خونریزی‌هایی که در همهٔ کشورهای اسلامی در جریان است، در اعتراض به استبدادگران حاکم بر مسلمانها و در اعتراض به خشونتها و بی‌عدالتی‌ها، و در اعتراض به کشتار مسلمانها توسط اسرائیل و مانند اینها، طواف خود را بر گرد خانهٔ خدا به ناگاه متوقف سازند و اعلام دارند تا بر این همه ظلم و ستمی که بر گرویدگان به قرآن و اسلام و همهٔ بشریت می‌رود، پایان داده نشود، و تا حاکمان مسلمان، که بر سر تقسیم مناطق نفوذ، خون ملت‌های یکدیگر را بر زمین می‌ریزند، بر سر میز مذاکره ننشینند، همچنان در حال توقف در طواف باقی می‌مانند، مطمئناً تحولی عظیم در جهان اسلام پدیدار می‌گشت و مسلمانها برکت و منفعت حج را، آنگونه که خدای تعالی اراده فرموده، دریافت می‌کردند.

کلیدواژه‌ها: قرآن - بهار - صلح - سلم - اسلام - حج - طواف - مسلمانان - سید علی اصغر غروی

ما هم از نوع بشریم و هم از گروه ایمان آورندگان به دین اسلام، و هر دو گویا وقوعش به اختیار ما نبوده است. اما این دو پدیده که می‌توان حادثه‌شان نیز نامید، همهٔ آحاد نوع را و نیز همهٔ گرویدگان به هر دین را بر آن می‌دارند تا ببینند، اکنون که در این نوع از مظاهر ذی حیات هستی آفریده شده‌ایم به چه راه و رسم و خلق و خوئی که زندگی کنیم معقول و مقبول است و حرکت خود را بر چه مداری که تعیین نماییم زینده و پسندیدهٔ عقلانیت فطری نوع بشر است.

هم بر این پایه بر چرایی مسلمان بودن خود نیز اندیشیده‌ایم، و بر سر کتابی که بدان ایمان آورده‌ایم بحثها و جدلها کرده‌ایم و گروهی بر حقانیت آن به برهان، و موعظهٔ حسنه و جدال احسن و استدلال منطقی روی آورده و تمسک جسته‌اند و دسته‌یی در انکار آن کوششها و کشمکشها کرده و قرآن را، به محتوی، به چالش کشیده‌اند.

و من از گروه اولم که برای حیات بشر، دنیا و آخرت را قائم، و زیست بشر در این جهان را بی بقاء در عالم دیگر باطل و لاطائل می‌دانم. از اینرو پیوسته در پی معنا بخشیدن به بودن خود هستم. و چون مسلمان بوده‌ام بیش و پیش از هر چیز به سراغ قرآن رفته‌ام، و در طی مراجعات مکرر، در طول سالهای متمادی، الهی بودن کلام را در ذهن خود قرص و مستحکم ساختم.

زیرا قرآن زبان و سخن همهٔ پیامبران است. و همه از «اسلام» سخن گفته‌اند، «اسلام» یعنی تسلیم بودن در برابر پروردگار، «اسلام» یعنی صلح خواهی و آشتی جویی. «اسلام» یعنی ضدیت با جنگ، با خونریزی، «اسلام» یعنی مقابله با بی‌عدالتی و خودکامگی و استبداد. «اسلام» یعنی مخالفت با آنچه امنیت و صلح و دوستی و آشتی را پریشان و مضطرب و آشفته می‌سازد.

«وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ» (نساء ۱۲۵ و بقره ۱۱۲)



چه کسی نیکوترین دین را داراست جز آن کس که روی خود تسلیم خدا کرده باشد و همو نیکوکار باشد و صاحب احسان.

و مراد از «اسلام آوردن» همین است، چنانکه ابراهیم و اسماعیل در دعاء خود می گویند:

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره ۱۲۸)

ای پروردگار ما، و قرار ده ما دو تن را از تسلیم شدگان به خودت و نیز از فرزندانمان امتی که تسلیم تو باشد.

و به همین خاطر است که می گوید، هیچ راه و رسمی (در گزر حیات از این جهان به جهان دیگر) از کسی پذیرفته نیست جز تسلیم بودن به خدا.

«وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران ۸۵)

و هر کس جز دین تسلیم به پروردگار و جز دین سلیم و سلامت و آشتی را بخواهد از او پذیرفته نیست.

و نیز سلوک ذُرُوسْت و صحیح بشر در زیست این جهانیش را منوط دانسته به تسلیم بودن او به اراده خدا. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران ۱۹)

آیات بسیار دیگری هست که به روشنی از ضرورت صلح خواهی و آشتی جویی گرویدگان به قرآن سخن می گوید اما نمی خواهم این وجیزه را به آن همه آیات مملو سازم، بلکه می خواهم این نتیجه را بگیرم که در آستانه تجدید حیات طبیعت و عطر آگین شدن فضا به شکفتن شکوفه های بهاری، چرا جهان اسلام که باید سراسر آرامش و امنیت و شکوفایی و رونق و سلامت و صلح و دوستی و محبت و انصاف و عدالت و آزادی و رشد و راحتی خیال باشد، با این همه کشتار و خون ریزی و بی عدالتی و عدم انصاف و استبداد و نقض حقوق انسان و مسائلی از این دست مواجه است!؟

از منظر قرآن این انسان است که با محبت و عشق خود، و با همت والای خود و با جهاد و کوشش خود، و با مراعات حقوق دیگران، برکت و افزونی به ایام می بخشد. و اگر چنین باشد، برکتی را که خدای تعالی به طبیعت بخشیده تا موجب مبارکی روزگاران بر نوع بشر گردد، انسان مستبد و خودکامه، با خودخواهی های خود، همه را مبدل به آتش می سازد، و ایام را به کام همه تلخ می نماید.

قرآن کریم یک شب صلح و آشتی و آرامش را از هزار ماه عبادت در غیر آن مرجح می داند، زیرا همان شب است که به مطلع فجر و صبح روشنایی و امید و بینش و خرد منتهی می گردد. در این شب است، فقط در شب سلام و سلامت، که همه فرشتگان و روح فرود می آیند، به اذن پروردگارشان، و مبارکی را بر زمین و زمان ارزانی می دارند.

و این همه در سوره قدر است بخوانیدش. و بعد از آن هم بخوانید آیات عیدیه بی را که خدای تعالی آشتی و صلح و سکینه را مایه مبارکی روزگاران دانسته است. از جمله این آیات:

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً» (نور ۶۱)

پس هرگاه داخل خانه هایی شدید پس سلام کنید بر خودهاتان که این تحیت مبارک پاکیزه بی است از خداوند.

گویا که بی سلام و بی آشتی، افزونی و برکت و مبارکی بر بشر نازل نگردد. پس چرا ما مسلمانها بر همدیگر سلام نمی کنیم و چرا طالب صلح و دوستی نیستیم. و بر افروختن آتش دشمنی ها و دمار و خرابیها را بر قبول آشتی پیشنهادی پروردگار عالمیان ترجیح می دهیم!؟

قسمتان از عید جان شد زخم چوب

ای دهلهای تهی بی قلوب

ماچو اهل عید خندان همچو گل (مثنوی، دفتر سوم)

شد قیامت عید و بی دینان دهل

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي لَلَّذِي بَيْكَةً مُّبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران ۹۶)

همانا اولین خانه‌یی که برای مردم نهاده شد همانی است که در مکه است، مبارک است (مایه افزونی است) و هدایت است برای جهانیان.

و این خانه وقتی مبارک است، و به مردم برکت و افزونی می‌بخشد که مردم در آن و از آن منفعتها و سودآوری‌های خود را شاهد باشند «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج ۲۸) تا منافع خود را شاهد باشند. و نیز امنیت را، نه برای خود، که برای همه آحاد بشر، در همه عصرها و دوران‌ها. «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران ۹۷) و هر کس که بر ساحت آن قدم نهاد در امنیت محض فرو شده است.

حال اگر تصور کنیم، مسلمانانی را که خواهان مبارکی برای خود و جهانیان هستند، و عامل به دستورات پروردگارش و تسلیم او، و روی خود به سوی آورده‌اند، و هم اکنون، یعنی همین الان، در حال طواف بر گرد خانه خدایند، تا شاهد منافع خود باشند و امنیت و صلح را از همان نقطه به سرتاسر گیتی بگسترانند، در اعتراض به وضع موجود، در اعتراض به خونریزی‌هایی که در همه کشورهای اسلامی در جریان است، در اعتراض به استبدادگران حاکم بر مسلمانها و در اعتراض به خشونتها و بی‌عدالتی‌ها، و در اعتراض به کشتار مسلمانها توسط اسرائیل و مانند اینها، طواف خود را بر گرد خانه خدا به ناگاه متوقف سازند و اعلام دارند تا بر این همه ظلم و ستمی که بر گرویدگان به قرآن و اسلام و همه بشریت می‌رود، پایان داده نشود، و تا حاکمان مسلمان، که بر سر تقسیم مناطق نفوذ، خون ملتهای یکدیگر را بر زمین می‌ریزند، بر سر میز مذاکره نشینند، همچنان در حال توقف در طواف باقی می‌مانند، مطمئناً تحولی عظیم در جهان اسلام پدیدار می‌گشت و مسلمانها برکت و منفعت حج را، آنگونه که خدای تعالی اراده فرموده، دریافت می‌کردند، پس اگر سالها، به آمد و شد شب و روز پیوسته تجدید کردند، و بهار طبیعت شکوفا شود، اما شکوفه‌های خرد و عقلانیت در وجود ما نشکفد، حادثه‌یی رخ نموده و برکتی از آن مبارکی‌ها حاصل نمی‌گردد.

خدای آفریدگار هستی تبارک و تعالی است، ذات او به مبارکی وصف می‌گردد، و نیز به بلند مرتبگی، این مبارکی را بر همه آفریده‌ها ارزانی داشته است، اما ابزار وصول انسان به آن را تسلیم بودنش در برابر اوامر پروردگارش دانسته است. و سرانجام، بعد از پایداری‌ها و شکیبایی‌هایی که انسان از طراز آزادی خواه و عدالت طلب، پیوسته از خود ابراز می‌دارد، خدای تبارک و تعالی او را حاکم بر مشرقها و مغربهای زمین می‌گرداند. و ستم پیشگان را، بدان مجاهدتها، از سر راهش برمی‌دارد و از آنان انتقام می‌گیرد.

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ يَأْتُهُمْ كَذُبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ، وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا... (اعراف ۱۳۶ و ۱۳۷)

پس انتقام گرفتیم از ایشان پس غرق دریاشان ساختیم، چرا که آیات ما را دروغ انگاشتند و از آن غافل بودند. و وارث مشارق و مغارب زمین گردانیدیم مردمانی را که به بیچارگی کشانده شده بودند، زمینی را که مبارکش ساخته بودیم.

در پایان مقال، که امیدوارم مفهوم بوده باشد، سال نو را به همه هموطنانم و همه مسلمانها و نیز همه هم نوعان خود تبریک می‌گویم، و از درگاه حضرت باری برای همه مبارکی و افزونی در وسعت آزادیها و عدالت و رشد عقلانیت و پایان جنگ و خونریزی و تحکیم صلح و آشتی را مسألت می‌نمایم و به این آیه از قرآن تمسک می‌جویم، برای دعاء، که مسألت حضرت عیسی علیه السلام هم هست؛

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (مائده ۱۱۴)

خداوندا ای پروردگار ما! فرو فرست بر ما سفره‌یی از آسمان که برای آغازمان تا پایانمان، عید باشد، و نیز نشانه‌یی از تو، و تو ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگان هستی.

